



**تحصیل رایگان
در تمام
سطوح
آموزشی**

ممنوعیت هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده‌ها

بازگشایی مدارس

نسان نودینیان



ادامه تحصیل کودکان در همه نقاط کشور در سطح سراسری عرصه ای پر از دلهره و دلشوره های بیشمار برای خانواده های کارگر و زحمتکش و کودکان است. پایه اجتماعی این همه نگرانی ها منشا طبقاتی و اقتصادی دارد. مربوط به شرایط معیشتی کارگران و مزدبگیری است که با حقوق های بسیار نازل و یا در موقعیت بیکاری بسر میبرند. کودکان خود نیز بخشی از این چالش هستند. در نگرانی های مادر و پدرهایشان و دلشوره های تامین ادامه تحصیل و اینکه از تحصیل و مدرسه از هم سن و سالهایشان محروم نشوند، شریک هستند. در آستانه بازگشایی مدارس پایه های اجتماعی و اقتصادی تحصیل کودکان را بررسی میکنیم.

اولین مساله مربوط به موقعیت درآمدی حقوقی کارگران و مزدبگیران است. در سال جاری بیکاری و اخراج های گسترده همراه با حقوق های پایین (حقوقهایی که زندگی در سطح استاندارد بالای خط فقر باشد و هزینه تحصیل کودکان را بدون دغدغه ترک تحصیل و بازماندن از مدرسه را تامین کند) شرایط ثبت نام و ادامه تحصیل کودکان برای خانواده های کارگران را با دشواری بیشتر و سخت روبرو کرده است. در يك كلام؛ حقوق های زیر خط فقر خانواده

کارگری که درآمد ماهانه بیش از دو میلیون تومان دارند، دلیل اصلی محروم شدن کودکان از تحصیل است. بر اساس گزارش های رسمی آموزش و پرورش در ایران ۵۰ درصد کودکان بازمانده از تحصیل، در اثر عواملی مانند «فقر فرهنگی خانواده های کودکان کار»، «عدم دسترسی به مدرسه» و کودکانی که در حیطه استثنایی قرار دارند از آموزش جامعی برخوردارند.

در نظام جمهوری آمار دقیقی از ترک تحصیل و محرومیت کودکان در دست نیست. طبق آمارهایی که در لابلای مقاله ها و تحقیقات بدست داده شده سالانه بیش از چهار میلیون کودک از تحصیل محروم می شوند. در سال ۱۳۹۷ روزنامه شرق در یکم اردیبهشت نوشت؛ در گزارش وزارت آموزش و پرورش تا ۳۰۵ میلیون نفر از تحصیل و ثبت نام ورود به مدارس بازمانده اند. در سال جاری با توجه به پایین بودن حقوقها و گرانی سرسام آور و بیکار سازی های وسیع تعداد کودکان بازمانده از تحصیل بمراتب بیشتر از دوسال قبل است.

دومین مساله؛ وجود ویروس مرگبار کرونا و گسترش مبتلایان به کرونا و بالا بودن

صفحه ۲

به درخواست خانواده افکاری برای لغو احکام اعدام و زندان و شلاق سه جوان این خانواده پاسخ مثبت دهیم!



کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۳

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی

صفحه ۴

اطلاعیه های حزب ویژه اعتصاب کارگران هفت تپه

* تعلیق پانزده روزه اعتصاب شکوهمند نیشکر هفت تپه به همه کارگران اعتصابی خسته نباشید میگوییم
* اعتصاب کارگران نفت در روز ۲۲
* اعتصاب نفتگران در روز ۲۷
* اعتصاب کارگران نفت وارد بیست و هشتمین روز شد
* کارگران نیشکر هفت تپه به اعتراضاتشان ادامه میدهند،
طومار ۱۶۰۰ نفره کارگران نیشکر هفت تپه با خواست انحلال شورای اسلامی

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ بازگشایی مدارس



آمار تعداد کسانی که در سنین مختلف در اثر ابتلا به کرونا جان باخته اند، شرایط ورود کودکان بویژه کودکان خانواده های کم بضاعت و کارگران را دشوار تر از همیشه کرده است. این شرایط بر تعداد ترک تحصیل و محرومیت کودکان میفزاید. محسن حاجی میرزایی (وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی) در آستانه بازگشایی مدارس گفته است: ترک تحصیل یک پدیده رایج است و: «قطعاً وجود ویروس کرونا آن را تشدید خواهد کرد». اظهارات بی شرمانه این مزدور جمهوری اسلامی در ارتباط با افزایش ترک تحصیل کودکان در اثر شرایط کرونایی در ایران در رسانه ها نشانه ای دردناک از سناریویی است که در انتظار کودکان و افزایش تعداد آنها از بازماندن از تحصیل و دسترسی پیدا نکردن به صندلی های مدرسه است. سناریوی افزایش ترک تحصیل و بازماندن کودکان از تحصیل برای مردم در ایران و میلیون ها خانواده که زندگی آنها با کمترین حقوق و مزایا و فقر روبرو شده است بشدت ویران کننده و خوفناک است.

مضاف بر افزایش ترک تحصیل کودکان در سال جاری مسائل مهم دیگر از قبیل رعایت نکردن پروتکل های سازمان جهانی بهداشت در مبارزه علیه کرونا، خود مشکلات بسیار عیدیه ای را برای خانواده هایی که کودکانشان را راهی مدارس میکنند ایجاد کرده است. و هزینه های مالی آنها را افزایش خواهد داد. راه اندازی سامانه آموزشی به

چه باید کرد! مصافهای مبارزه با شرایط کنونی و تحصیل رایگان

راه حل نجات کودکان از محرومیت تحصیلی مبارزه ای است که امروز باید به ثمر برسد، و خواست تحصیل رایگان تحقق پیدا کند. اعتراضات سراسری معلمان و کارگران در چند سال گذشته خواست "تحصیل رایگان" است که در اعتراضات و اعتصابات و تجمع ها فریاد زده شده است. این خواست امروز مورد توجه قرار گرفته و بشعار اعتراض طبقاتی کارگران و معلمان تبدیل شده. تحصیل رایگان در ایران ممکن و عملی است، مهم این است یک جنبش وسیع توده ای و اجتماعی با حضور آکتیویست های علنی که موتور محرک و پیشبرنده این خواست بوده اند، سازماندهی شود. مادام محرومیت از تحصیل در اثر فقر و پایین بودن دستمزد و هزینه های معیشتی است، مادام که اعتراض و مبارزه علیه فقر و پایین بودن حقوق و دستمزدها شکل روتین و گسترده ای را بخود گرفته است، زمینه های مساعدی برای جمع کردن خانواده های دانش آموزان وجود دارد. جنبش برای تحصیل رایگان مساله ای آشنا است، میلیون ها نفر از مردم از محرومیت تحصیلی فرزندان شان نگران و ناراضی هستند. میلیون ها نفر زیر خط فقر زندگی میکنند و میلیون ها نفر خواهان ادامه تحصیل فرزندان شان هستند، اینها فاکتورهای مساعد و مادی برای سازماندهی این جنبش است، جنبشی که میتواند در برگزیده چند میلیون خانواده و جوانانی باشد که به ادامه تحصیل کودک و جوان محروم از تحصیل فکر میکنند.

چالش تحصیل رایگان مهمترین عرصه درگیری مردم در سطح میلیونی با رژیم استبداد اسلامی در ایران است. چالش تحصیل رایگان با به میدان آمدن فعالین این عرصه که خانواده های ناراضی به وضع تحصیلی فرزندان شان هستند، عملی است. جبهه وسیع و فعال اعتراضات معلمان و کارگران هم اکنون برای اجرا و عملی شدن این خواست در

میدان است. در بیشتر اعتراضات آنها خواست تحصیل رایگان برافراشته شده است.

در محلات شهرها با اقدامات ابتکاری، برپایی جلسات ویژه در مورد تامین ادامه تحصیل کودکان خود نیز عامل و محرک مهمی است که نگذاریم به آسانی کودکانمان ترک تحصیل کنند. با هر قدرت و نیرو و امکاناتی که در چهار دهه گذشته در عرصه مبارزه بدست آورده ایم استفاده کنیم. نباید بگذاریم فرزندانمان ترک تحصیل کنند. سکوت و تن دادن به وضع موجود و فرستادن کودکانمان از پشت میزهای کلاس به اردوی کار و تبدیل کردن آنها به کودکان کار را با مبارزات سراسری و اعتراضات سراسری جواب بدهیم.

استفاده از میدیای اجتماعی یک گام مهم در سازماندهی مبارزه برای تحصیل رایگان است. با ایجاد شبکه های تلگرامی و در اینستاگرام خواستهای زیر را به راس گفتمان های میدیای اجتماعی ببریم. این خواستها بارها در اعتصابات و اعتراضات میدانی معلمان و در مدارس توسط محصلین و دانشجویان بدست گرفته شده است. اینبار با پوشش در میدیای اجتماعی قدرت بسیج توده ای را صد چندان کنیم.

تقویت جنبش سراسری برای فرستادن همه کودکان به مدرسه. طرح پیگیرانه خواست تحصیل رایگان در تجمع و در مدارس و دانشگاه ها. تاکیدات مشخص در شرایط کرونایی کنونی، رعایت کردن همه توصیه ها و دستورات پزشکی و بکارگیری تجارب کشورهای اروپایی در مدارس. همه اقلام وسایل پیشگیری از قبیل ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی باید مجانی در اختیار دانش آموزان و معلمان قرار گیرد. آموزش و پرورش مکلف به تامین امکانات پیشگیری در مدارس و سرویس های ایاب و ذهاب دانش آموزان است. - تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی و اجباری بودن آن تا پایان

تحصیلات دوره دبیرستان. - ممنوعیت هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده ها به بهانه ها و مناسبت های مختلف، - کتب درسی باید کاملاً رایگان باشد. - رفع تبعیض در دسترسی به آموزش، مقابله با خصوصی کردن مدارس و درجه بندی و طبقاتی کردن آموزش و پرورش. طبقاتی کردن آموزش از طریق مدارس خصوصی باید کنار گذاشته شود. - یک آموزش و پرورش شاد و انسانی. - یک وعده غذای گرم، باکیفیت و رایگان برای محصلان در سراسر کشور. - کمک هزینه به خانواده هایی که امکان فرستادن کودکان خود به مدارس را ندارند به منظور اینکه کودکانشان را به مدرسه نفرستند. - ایاب و ذهاب مدارس جزئی از وظایف مدرسه است و باید کاملاً در دسترس، ایمن و رایگان باشد. -

ایمنی و مقاوم سازی مدارس، کلاسهای درس و سیستم گرمایشی و سرمایشی. - اعتراض به اسلامی کردن مدارس! مسجد سازی و فرستادن طلبه به مدارس باید ممنوع شود. کتب درسی باید غیر مذهبی شود. - در تمام محلات باید به اندازه کافی مدرسه باشد و تعداد دانش آموزان کلاس از ۲۲ نفر بیشتر نشود. همه مدارس از یک استاندارد و کیفیت آموزشی مناسب، کتابخانه، وسایل و امکانات ورزشی، آزمایشگاه، سالن کارهای دستی و غیره برخوردار باشند. - حق شهروندی برابر و دسترسی یکسان به آموزش برای کلیه واجین تحصیل افغانستانی و عراقی و سایر مهاجرین. - دست مذهب از زندگی کودکان و آموزش و پرورش کوتاه، جدایی مذهب از آموزش و پرورش. - آزادی معلمان زندانی و تبعیدی.

۱۱ شهریور ۹۹

۱ سپتامبر ۲۰۲۰

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره پاه ست
فرکانس: 12073
پولاریزاسیون: عمودی
سیگنل ریت: 27500
اف ای سی: 5/6

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

به در خواست خانواده افکاری برای لغو احکام اعدام و زندان و شلاق سه جوان این خانواده پاسخ مثبت دهیم!

صدور و اجرای احکام اعدام علیه جوانان معترض را می شناسیم. این احکام اعدام و کشتن معترضین به این خاطر است که از شورش های آتی علیه نظام منحوشان جلوگیری کنند. این برای جمهوری اسلامی جنگی سرنوشت ساز برای ماندن به هر قیمت است. از نیروی مردم می ترسند و می خواهند به خیال خودشان با اعدام و کشتار از مردم زهر چشم بگیرند. ما مردم می توانیم و باید این اقدامات جنایتکارانه را به ضد خود تبدیل کنیم. لازم است که همه ما به فراخوان بهیه نامجو مادر نوید، وحید و حبیب افکاری یکصدا و

متحدانه پاسخ مثبت دهیم. به ندای کمک طلبانه نوید افکاری از زندان به خود آئیم و برای نجات یکی دیگر از فرزندان شریف مردم ایران به میدان بیائیم. صدای نویدها صدای اعتراض همه ما علیه چهل و یکسال بی عدالتی و ظلم است. با استفاده از میادای اجتماعی و با ترتیب دادن اعتراض و گردهمایی خواستار لغو احکام اعدام و زندان و شلاق علیه نوید، وحید و حبیب افکاری و همه معترضین دیگر شویم. وقت تنگ است. باید فعالیتهای خود را گسترش دهیم و فشار علیه جمهوری اسلامی را افزایش دهیم. کمیته بین المللی علیه اعدام برنامه هایی را در خارج کشور برای نجات این سه برادر و بویژه نوید افکاری که با خطر فوری اعدام روبروست در نظر گرفته که در اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهدرساند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۰ شهریور ۱۳۹۹
۳۱ اوت ۲۰۱۰

ضرب و شتم قرار می دادند و مکررا با الفاظ توهین آمیز و رکیک اهانت می کردند. مرا محکم می بستند و در بینام الکمل می ریختند." این سه برادر طبق یک سناریوی ساختگی متهم هستند که یکی از اعضای نیروهای امنیتی- اطلاعاتی جمهوری اسلامی را که در سرکوب مردم نقش داشته است، به قتل رسانده اند. اتهامی که این سه برادر آن را تکذیب می کنند. متهمان میگویند حکومت هیچ سندی و هیچ نشانی برای شرکت آنها در این قتل ندارد و این اتهام کاملا ساختگی را رد می کنند.

بهیه نامجو، مادر این سه برادر در پیامی ویدیویی از همه ما برای نجات فرزندان و بخصوص نوید که به اعدام محکوم شده است طلب کمک دارد: "از هر کسی صدای من را می شنود تقاضای کمک دارم برای احکام ناحق و ناعادالتهای که به پسرانم داده اند". او می گوید که اصلا نمی توانم حکمی که به پسرم داده اند را به زبان بیاورم. نوید افکاری در یک فایل صوتی از زندان خطاب به مردم می گوید او گام به گام به چوبه دار نزدیکتر می شود و اگر تا به حال سکوت کرده، به امید اجرای عدالت بوده، اما الان که در آستانه اعدام است، نیازمند حمایت افکار عمومی و انسان های آزاده و حق طلب است. او خطاب به مردم می گوید، اگر اعدام شد، همه بدانند در قرن بیست و یکم، با این همه سازوکارهای حقوق بشری و سازمان ملل و شورای امنیت و غیره، یک انسان بی گناه در حالی که با تمام توانش تلاش کرد و جنگید، اعدام شده است.

ما اهداف جمهوری اسلامی از



در طول این دوسالی که نوید، وحید و حبیب در زندان بوده اند بشدت تحت انواع شکنجه های روحی و جسمی قرار داشته اند تا علیه خود دست به اعتراف بزنند. خود این زندانیان می گویند در زیر شکنجه ناچار به آن اعترافات شده اند. وحید افکاری در این مورد گفته است: "تهدید شدم که بقیه خانواده را بازداشت می کنند. تصمیم گرفتم خودم را بکشم. که دستکم نوید از این مخمصه جان سالم به در ببرد. در بیمارستان نمازی سه روز در کما بودم و هیچ کس صدایم را نشنید. بدنبال آن در شکنجه ها پلاستیک روی سرم می کشیدند. با غل و زنجیر می زدند و ساعتها با باتون به کف پایم می زدند و وادارام می کردند راه بروم. تهدیدم کرده بودند که مادر و خواهرت را بازداشت می کنیم." نوید افکاری هم گفته است: "روی صورتم پلاستیک می کشیدند و مرا تا مرز خفگی و مرگ پیش می بردند. دستها و شکم و پاهایم را به وسیله باتوم و اجسام سخت به شدت مورد



مرداد ۹۷ در شهریور ۹۷ بازداشت شدند. حبیب افکاری در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۷ بازداشت شد. یک متهم دیگر این پرونده بنام سعید دشتکی نیز در شهریور ۹۷ بازداشت شد. لازم است اشاره کنیم که نوید (فرشید) افکاری سنگری متولد ۱۳۷۲، مجرد، شغل گچکار و کشتی گیر (دارای چند مدال قهرمانی کشوری)، وحید افکاری سنگری متولد ۱۳۶۴، مجرد، گچکار. حبیب افکاری سنگری متولد ۱۳۷۰، متاهل، شغل جوشکار و سعید دشتکی، ۲۲ ساله و همگی اهل شیراز هستند.

سه برادر به دلیل شرکتشان در اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ در شیراز علیه فقر و گرانی، به اعدام و زندانهای طویل المدت و شلاق محکوم شده اند. نامشان نوید، وحید و حبیب است. نوید افکاری به ۲ بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. حکم اعدام وی از سوی دیوان عالی حکومت تایید شده است و امکان اعاده دادرسی نیز نیست. وحید افکاری به ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و حبیب افکاری به ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده اند. نوید و وحید افکاری بعد از مشارکت در اعتراضات

**جعفر عظیم زاده و همه زندانیان
سیاسی فوراً و بدون قید و شرط
باید آزاد شوند!**

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

**متضمن تعرض به جسم افراد
(نقض عضو، تشییع بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد
باید لغو شود.**



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



هفتم شهریور، سالروز تیرباران دو خواهر پرستار

خواهران کعبی شهلا کعبی ۳۴ ساله و نسرين کعبی ۲۷ ساله دو پرستاری بودند که به اتهام همکاری با ضدانقلاب از طریق مداوای آنها در بیمارستان سقز به مرگ محکوم و تیرباران شدند.

خواهران کعبی به اتهام شرکت در درگیری‌های کردستان و همکاری با افراد مهاجم و مداوای ضد انقلاب در بیمارستان سقز به دستور صادق خلخالی اعدام شدند.

شهلا و نسرين کعبی در پائيز ۱۳۵۸ دستگیر و به قزوین تبعید شدند، اما در بهار ۱۳۵۹ بعد از آنکه مذاکراتی میان نمایندگان دولت و هیئت نمایندگی مردم در کردستان انجام شد، به همراه دیگر تبعید شدگان به کردستان بازگشتند. با این حال در ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ برای بار دوم دستگیر شدند و در زندانهای سقز، اوین، و سنندج و کرمان دوران بازداشت خود را به مدت سه ماه گذراندند.

حکم اعدام خواهران کعبی همراه با گروهی دیگر در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۵۹ شبانه در پادگان سنندج صادر شد.

برای آنها دادگاهی تشکیل نشد و دفاعی نیز صورت نگرفت. نزدیک سحر در ساعت ۴:۳۰، حکم اعدام در همان پادگان به اجرا درآمد.

در رابطه با صحنه اعدام خواهران کعبی، یکی از زندانیان حاضر در محل اعدام چنین نقل کرده است:

«در سحرگاه ۷ شهریور ۱۳۵۹ زندانیان، دو خواهر را از بند زندان زنان در سنندج بیرون برد. ستوال و جوابی نبود، چون مقصد معلوم بود. دو خواهر پشت به دیوار و رو به جلا، دست بسته در کنار هم ایستادند. دژخیمی با پارچه‌ای در دست خواست تا چشمانشان را ببندد.

— نسرين: من نمی‌خواهم چشمم را ببندم.

— شهلا: من می‌خواهم.

— دژخیم با خنده: تو می‌ترسی

که می‌خواهی چشمانت را ببندی؟ ها؟

— شهلا: البته که نه، من فقط نمی‌خواهم که مرگ خواهرم را ببینم.

— نسرين: پس چشمان مرا هم ببندید.

خنده دژخیم قطع شد و با خشم فریاد زد: آتش

و دو خواهر پرستار که عمری جان انسانها را نجات داده بودند، توسط رژیم هار اسلامی تیرباران شدند. نام و یاد عزیزشان همیشه گرامی باد

ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان در مشهد بدلیل موج عظیم بی حجابی

رئیس هیئت دوچرخه سواری استان خراسان رضوی گفت: ستاد امر به معروف و نهی از منکر با اخذ مجوزهای مربوطه، ممنوعیت دوچرخه سواری زنان را اجرایی کرد و حتی تصویب شد دوچرخه سواری بانوان در مکان‌های عمومی و در ملاعام نیز ممنوع باشد.

رئیس هیات دوچرخه سواری استان خراسان رضوی می‌گوید: هیئت دوچرخه‌سواری استان خراسان رضوی در تلاش است تا زنانی که به

هنجارها پایبند هستند، مشکلی برای دوچرخه‌سواری نداشته باشند. بر اساس گزارش روابط عمومی هیئت دوچرخه سواری خراسان رضوی، مهدی روزهپناه به توجه به محدودیت‌های ایجاد شده جهت دوچرخه سواری زنان گفت: با توجه به اینکه بحث حجاب اسلامی قانون است، باید پذیرفت که زنان دوچرخه سوار نیز باید به حجاب خود پایبند باشند. باعث این محدودیت‌ها افرادی بودند که در گذشته بدون رعایت صحیح حجاب و استفاده از لباس‌های زننده هنگام دوچرخه‌سواری توجه زیادی را به این مسئله جلب کردند. وی افزود: مجموعه هیئت پیگیر این موضوع است تا زنانی که حجاب خود را رعایت می‌کنند و به هنجارهای جامعه شهری مشهد با توجه به مذهبی بودن مشهد پایبندند،

مشکلی بابت دوچرخه سواری نداشته باشند. در روزهای اخیر هیات دوچرخه‌سواری سبزوار در خراسان رضوی، در اعتراض به ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان و برای حمایت از آنان استعفا کردند.

دوچرخه سواری زنان یکی از دغدغه‌های دهه اخیر جمهوری اسلامی بوده و هست. پرونده دوچرخه سواری زنان همواره روی مقامات و آیت الله‌های ریز و درشت جمهوری اسلامی باز بوده. زنان حتی در مقابل حکم خامنه‌ای درباره منع دوچرخه سواری، سر تسلیم فرود نیاوردند. حجاب و دوچرخه سواری زنان دو عرصه نبرد جدی زنان و جنبش نوین رهایی زن با جمهوری اسلامی است. دو عرصه‌ای که حکومت تلاش میکند با تحمیل اولی و ممنوعیت دومی زنان را از عرصه‌های اجتماعی حذف کند، و در مقابل زنان تلاش میکنند با پس زدن اولی و حق مسلم دانستن دومی، حکومت را به عقب برانند. این تلاش زنان و جدال روزانه می‌تواند با اعتراضات وسیع و جمعی و با براه انداختن شوری هماهنگی اعتراض در محلات و شهرها برای مقابله با خشونت علیه زنان، که به طور غالب خشونت قانونی و دولتی و قضایی و در یک کلام حکومتی است، توزان قوای سیاسی را بسمت مبارزات آزادیخواهانه، برابری و حق طلبانه زنان و جامعه در مقابل جمهوری اسلامی بچرخاند.

اعتراض مادر رومینا به رای پیدگاه اسلامی

رومینا اشرفی را دیگر همه می‌شناسند. دختر ۱۳ ساله‌ای که توسط پدر، جنایتکارانه و با قساوت تمام سر بریده شد. رومینا با بهمن خاوری ۲۹ ساله فرار کرده تا با او ازدواج کند. فرار به گفته خودش برای اینکه کسی دوستش نداشته باشد. دختری که در چنین سنی و در هر کجا که از تعفن اسلام و مذهب خبری نباشد می‌توانست دست دوست پسر نوجوانش را بگیرد و از زندگی در این سن لذت ببرد و طعم خوش زندگی را بچشد. اما در ایران تحت حاکمیت ویروس‌های اسلامی رومینا حق زندگی نداشت. حق عاشق شدن و عشق ورزیدن و بوسیدن و بوسیده شدن نداشت. رومینا گناهکار بدنیا آمده بود.

جنسیتی لعنت شده در پیشگاه مذهب و حکومت اسلامی که داغ لعنت مذهب را بر پیشانی داشت.

پیدگاه حکومت اسلامی به پدر قاتل ۹ سال حبس داده است و مادر رومینا به این حکم اعتراض دارد. می‌گوید این جانی و آدمکش باید قصاص شود و اگر قصاص نمی‌کنند او را زندانی طویل‌المدت و تبعید کنید. مادر رومینا از آینده خود و تنها فرزند باقی مانده اش می‌ترسد. می‌خواهد این مرد، این هیولا و این سنگدل را نبیند.

انتظار رعنا دشتی از مقامات حکومت اسلامی زیادی است. درست است که پدر رومینا قاتل است اما جرمش فقط چکاندن ماشه‌ای است که سازنده آن اسلحه حکومت اسلامی است. او نقش مأمور اجرای احکام را بازی کرده است. رومینا در قوانین حکومت اسلامی بشر نیست، زن است. وسیله است. ابزار تفریح و لذت است. اموال مرد است. در حکم همان مرغ و خروس است که صاحب می‌تواند سر ببرد و رفع گرسنگی کند.

معیار اسلامی و حکومت اسلامی محق نیست پدر رومینا را قصاص کند. پدر را به جرم قتل فرزند قصاص نمی‌کند. او صاحب مالی است که دوست دارد ببخشد یا دور بریزد. مثل اسکناسی که اگر دلت خواست می‌توانی به آتش بکشی یا قرض بدهی. اینجا رومینا اشرفی یک انسان نیست یک شیء است. رعنا اشرفی هم باید بداند قصاص نه برای اجرای عدالت که برای مرعوب کردن مردم برای تن دادن به این زندگی جهنمی است. قصاص یعنی چشم در آوردن و دست و پا بریدن و از کوه پرتاب کردن، قصاص یعنی به وحشیانه‌ترین نوع ممکن انتقام گرفتن، انتقام نه از قاتل که از یک جامعه تشنه رهایی. قصاص یعنی شریک کردن خانواده‌ها برای تداوم وحشی گری اسلامی. مادر رومینا باید بداند دختر دلبنده قربانی همین قوانین قصاص شد که خواهان اجرای آن شده است. هیچ انسان شریفی نباید تحت هیچ شرایطی از حکومت اسلامی درخواست قصاص قاتل را داشته باشد. نباید با رژیم هم داستان شد. رعنا دشتی، مادر دردمند رومینا به ۹ سال حکم زندان اعتراض دارد. اگر یک جنبش وسیع

ضد حکومت اسلامی در ایران وجود نداشت و اگر مردم ایران تا مغز و استخوان ضد حکومت اسلامی و قوانین اسلامی نبودند و اگر یک جنبش وسیع ضد دینی در ایران پایه‌های رژیم را نمی‌لرزاند این پدر جانی و قاتل بخاطر دفاع از ناموس احتمالا جایزه مرد خوش غیرت را هم دریافت می‌کرد تا الگویی باشد برای دیگر مرتجعین و زن‌ستیزان و عبور کنندگان از قوانین منحط اسلامی.

مادر رومینا اشرفی باید بداند قاتل نامبرده چیزی جزء مأمور اجرای احکام نیست. آنچه باید از زندگی مردم کنار گذاشته شود و نابود گردد این حکومت قاتل و ضد انسان است. قصاص قاتل رومینا دردی از کسی درمان نمی‌کند. یک قتل به قتل‌های بیشمار حکومت اسلامی اضافه می‌شود. قصاص این حکم ضد انسانی و دون‌شان بشر باید ملغی گردد. جمهوری اسلامی باید نابود شود. این تنها راه ممکن برای پایه‌ریزی یک جامعه متمدن و آزاد و برابر است. جای که انسانیت حکم براند و خبری از بربریت و ارتجاع مذهبی و اسلامی نباشد.

وضعیت ناگوار جسمانی نسرين ستوده در زندان حکومتی

رضا خندان همسر نسرين ستوده روز پنج‌شنبه ۶ شهریورماه ۱۳۹۹ برابر با هفدهمین روز از اعتصاب غذای نسرين ستوده در صفحه فیس‌بوک خود چنین نوشت:

وارد هفدهمین روز اعتصاب غذای نسرين شدم. حدود ۶ کیلو از وزن ۵۳ کیلویش کم شده است. نوسان فشار و به ویژه میزان قند خون بسیار بالاست. حالت تهوع اجازه نمی‌دهد به اندازه کافی آب و قند استفاده کند که این خود بسیار خطرناک است. قند خون یکبار ۴۴ و چند روز بعد تا ۵۵ پایین آمده بود. حال عمومی اش هم در نوسان است. سومین و دهمین روز اعتصاب غذا بدترین وضعیت را داشته است.

از مختصات حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی بی‌توجهی به جان انسانهاست. حکومت اسلامی مسئول مستقیم به خطر انداختن جان زندانیان و سلامت آنها است که سبب شده است تعداد زیادی از زندانیان همین امروز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و محرومیت از حداقل امکانات انسانی، در اعتصاب و اعتراض باشند.

اطلاعیه های حزب ویژه اعتصابات کارگری

تعليق پانزده روزه اعتصاب
شکوهمند نیشکر هفت تپه
به همه کارگران اعتصابی
خسته نباشید میگوییم

کارگران نیشکر هفت تپه با توجه به وعدهای داده شده و با دادن يك مهلت ۱۵ روزه برای بازگشت به کار همه کارگران اخراجی و عملی شدن دیگر خواستههایشان، روز گذشته اعتصاب خود را به حالت تعلیق در آوردند و اعلام کردند که به اشکال دیگری اعتراضات خود را ادامه خواهند داد و اگر تمامی خواستههایشان عملی نشود اعتصاب را از سر خواهند گرفت. کارگران غیر نیشکری شرکت در این فاصله به دلیل تمديد نشدن قراردادهايشان به اعتصاب ادامه میدهند و مورد پشتیبانی کل کارگران هستند. کارگران نیشکر هفت دو ماه دستمزد خود را دریافت کرده اند اما هنوز دوماه دستمزد طلب دارند. سه نفر از همکاران اخراجی شان برای بازگشت به کار احضار شده بودند، اما هنوز خبری از بازگشت به کار رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی نیست. کارگران خواستار بازگشت به کار تک تک همکاران اخراجی خود و خلع ید از بخش خصوصی این بخش دزدی و چپاول در شرکت و بقای هفت تپه هستند. دفاع از بقای نیشکر هفت تپه برای کارگران نیشکر هفت تپه به معنای دفاع از شغل و معیشتشان است و کارگران بر روی آن مصر هستند.

به کارگران نیشکر هفت تپه خسته نباشید میگوییم. این اعتصاب تا همینجا دستاوردهای عظیم و فراموش نشدنی ای داشته است که هیچکس نمیتواند آنرا باز پس بگیرد. بیش از هفتاد روز اعتصاب و تجمع و سخنرانی و اعتراض متدانه، این کارگران را در مرکز توجه کل جامعه قرار داد و صدای این کارگران در سطح بین المللی نیز بازتاب یافت و خواستههایشان مورد حمایت گسترده قرار گرفت. کارگران نیشکر هفت تپه هنوز به تمام خواستههای خود نرسیده اند اما دستاوردهای این اعتصاب بسیار عظیم و تاریخی است و از خود خواستها بسیار فراتر میرود. این اعتصاب در صفوف حکومت ولولہ انداخت.

استاندار و امام جمعه و وزیر و نماینده شان ناچار شدند به میان کارگران بیایند و شعار و فریاد و اعتراض کارگران را بشنوند و دندان روی جگر بگذارند. ناچار شدند برای اسد بیکی آقازاده دزد بخش خصوصی دادگاه نمایشی ترتیب دهند، با نمایندگان کارگران جلسات مذاکره بگذارند، وعده های پی در پی بدهند. و خواهش و تمنا کنند. همزمان در پشت پرده جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد که این اعتصاب را عقب براند. توطئه کردند، تهدید کردند، دستگیر کردند، مذاکرات پشت پرده کردند و تلاش کردند با تفرقه افکنی و حتی باد زدن تمایلات قومی و ملی و امثال اینها صفوف کارگران را متفرق کنند. اما هفت تپه ایستاد. هفت تپه فریاد زد. هفت تپه با جسارت، همدستان دزد بخش خصوصی را که از مقامات حکومت بودند افشا کرد، شورای اسلامی حکومتی را منحل اعلام کرد و از همه خواستههای خود محکم دفاع نمود.

نیشکر هفت تپه اکنون وسیعاً به عنوان کانون قدرتمند اتحاد کارگری، کانون اداره شورایی و کانون اعتراض و اعتصاب کارگری شناخته میشود و رهبرانش به چهره های محبوب جامعه تبدیل شده اند. هفت تپه به همه کارگران و مردم برای مبارزه ای سراسری و متحدانه و شفاف و رادیکال علیه چپاولگران حاکم الگو داد. این اعتصاب نه فقط در تاریخ جنبش کارگری بلکه در تاریخ کل جنبش حق طلبانه در جامعه، يك نقطه درخشان و فراموش نشدنی و تاریخی است و دستاوردهایش همیشه ماندنی است و باقی خواهد ماند و سکوی پیشرویهایی بعدی کارگران و جنبش اعتراضی مردم خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه به پنج هزار کارگر اعتصابی نیشکر هفت تپه درود میفرستد و خسته نباشید میگوید و بر ادامه اتحاد و حق طلبی کارگران با اتکا به تصمیم گیری جمعی شان تاکید میکند.

زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ شهریور ۱۳۹۹

۳۰ اوت ۲۰۲۰

اعتصاب کارگران نفت در روز ۲۲

روز ۱۱ شهریور اعتراض سراسری نفتگران وارد روز سی و دوم شد. دامنه این اعتصابات به ۲۵ شهر و بیش از ۵۰ مرکز نفتی کشیده شده است. بنا بر آخرین خبرهای منتشر شده در نیروگاه فردوسی نیز کارگران پروژه ای به این اعتصاب پیوسته اند. همچنین اخباری از عقب نشینی های کارفرمایان و

پیمانکاران در برابر خواست افزایش حقوقها از سوی کارگران، شنیده میشود.

قبلاً گزارش کردیم که در جاهایی چون پارس جنوبی و مراکز نفتی در جنوب پیمانکاران که خود قرارداد معینی با دولت دارند، نیز وارد اعتصاب شده اند و بنا بر قاعده هر شش ماه يك بار قرارداد دولت با آنان تحت عنوان "تعدیل قرارداد" تجدید میشود. بنا بر خبرهای جدید در ماهشهر دولت با پیمانکاران جلسه داشته و سی درصد به دریافتی های آنها از قبل قراردادها اضافه کرده است. بدنبال این تصمیمات خبرها از برخی شرکت ها حاکی از عقب نشینی های پیمانکاران و کارفرمایان در زمینه حقوقهاست. از جمله در شرکتتهایی در فاز ۴ پیمانکاری لیموجی در شرکت تهران جنوب، پتروپالایش شرکت گاما و شرکت زاگرس دستمزدها افزایش یافته است. در شرکت نفت فلات قاره نیز زیر فشار اعتراض کارگران کارفرمایان قول پیگیری خواستههای آنان را داده اند. در تعدادی از شرکت های پیمانکاری همانند پتروشیمی سیلان و برخی پیمانکاران میدان نفتی آذر نیز پیشنهاد افزایش مزد به کارگران داده شده است. ضمن اینکه در بخش هایی هم دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را با آنها تسویه حساب کرده اند.

در برخی مناطق پیمانکاران تلاش کرده اند برعکس با عدم پرداخت طلبهای مزدی کارگران و قراردادن آنها زیر فشار اقتصادی شدیدتر، اعتصاب را تضعیف کنند. در عین حال تهدید فعالین کارگری خصوصاً کاربران سایبری ابزاری در جهت ایجاد فضای امنیتی در این مبارزات و عقب زدن کارگران است. اما علیرغم همه اینها اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مراکز وابسته به آن ادامه دارد.

کارگران متخصص پیمانی در این اعتصاب خواست حداقل دستمزد ۱۲ میلیون را مطرح کرده اند. علاوه بر شرایطی که يك موضوع اعتراض کارگران، معلمان، بازنشستگان و حقوق بگیران جامعه در چند ساله اخیر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ده میلیونی بوده است، باید حقوق کارگران غیر متخصص پیمانی در نفت نیز که در بسیاری از مراکز نفتی هم اکنون در اعتصاب هستند، حداقل ده میلیون تومان باشد.

مساله خلع ید از پیمانکاران نیز يك خواست سراسری کارگران نفت و تمام مراکز است که با این شکل از استخدا مهایی برده وار درگیرند. بعلاوه قراردادهای موقت يك معضل سراسری کارگری است. در همین راستا کارگران خواستار قراردادهای مستقیم با وزارت نفت هستند. اینها محوره های اصلی خواستههای کارگران اعتصابی نفت است.

علاوه بر خواستههای فوق، پایان دادن به فضای امنیتی حاکم در مراکز کاری، برخورداری از استانداردهای قابل قبول بهداشتی و ایمنی در محیط های کار، بالابردن استاندارد بهداشت کمپها و حمام کارگران و خوابگاهها در حد قابل قبول، و برخورداری همه کارگران نفت از درمانگاههای ویژه صنعت نفت خواستهایی است که موضوع اعتراض همه کارگران است.

يك معضل اساسی دیگر کارگران نفت قوانین برده وار ویژه مناطق اقتصادی است. این معضل نه تنها صنایع نفت و وابسته به آن بلکه ۶۵ منطقه اقتصادی را در بر میگیرد. در این مناطق حتی همان قانون کار ضد کارگری نیز جاری نیست و در آنجاها يك بردگی مطلق حاکم است. قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی باید فوراً لغو گردد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۳۹۹، ۱ سپتامبر ۲۰۲۰

لیستی از همبستگی های جهانی
با اعتصابات کارگری در ایران:

کنفدراسیون جهانی ایندستریال، اتحادیه کارگران خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کانادا، اتحادیه کارگران بخش عمومی در بریتیش کلمبیا در کانادا، شورای اتحادیه های کارگری کانادا، ریتا میلیا دبیرکل واحد سات ولس اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل، دریایی، معدن و انرژی (عضو ۱۴۰۰)، صبحی البدری، نایب رئیس فدراسیون کارگران و کارمندان عراق، جان کلارک از چهره های شناخته شده و سازماندهندگان کمپین علیه فقر در انتاریو، ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در کشورهای مختلف، پلاتنفرم سنلیکاهای کارگری سوئد، شورای اتحادیه های کارگران در استرالیا، کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFTD، کنفدراسیون عمومی کار CGT، فدراسیون سنلیکائی متحد FSU، اتحاد سنلیکائی متحد Solidaires، اتحادیه سنلیکائی مستقل UNSA، کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری رومانی، حزب کار در ترکیه «Emek Par si» و اتحادیه دریانوردی استرالیا حمایت و همبستگی خود را با موج اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده اند. این همبستگی ها ادامه دارد.

اعتصاب نفتگران در روز ۲۷

اعتصابات: شماره ۲۷. اعتصاب کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و نیروگاه های برق روز ۶ شهریور وارد بیست و هفتمین روز خود شد. هزاران کارگر از ۵۵ مرکز نفتی در ۱۲ استان از جمله سه پالایشگاه بزرگ قشم، آبادان و اصفهان در اعتصاب بسر میبرند. در

اطلاعیه های حزب ...

از صفحه ۵



پالایشگاه آبادان به کارگران پیشنهاد مزد هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای ۲۴ روز کار را داده اند. اما کارگران اعلام کرده اند که مزد زیر ده میلیون را قبول نمیکنند و بر دیگر مطالبات خود تاکید کرده اند. در جاهایی پیمانکاران که قرارداد معینی با دولت دارند نیز در اعتصابند. بنا بر قاعده هر شش ماه یک بار قرارداد دولت با پیمانکاران تحت عنوان "تعدیل قرارداد" تجدید میشود. تعدیل قرارداد نیز به این معنا است که بنا به شرایط تورمی، گران تر شدن مواد اولیه، بالا رفتن هزینه های جاری و یا افزایش سطح دستمزد کارکنان و کارگران در فاصله قرار داد، این افزایش هزینه ها را دولت باید به پیمانکار بپردازد. در این دور دولت اعلام کرده است که امکان افزایش پرداخت بیشتری به آنها نیست و پیمانکاران نیز که زیر فشار کارگران اعتصابی برای افزایش حقوقها قرار دارند و در عین حال با تعطیلی کار متضرر میشوند، وارد اعتصاب شده و حق بیشتری از دولت طلب میکنند. هم اکنون پیمانکاران در پارس جنوبی و مراکز نفتی در جنوب در اعتصابند. اعتصاب کارگران جوشکار و فیتور نیز در این مناطق ادامه دارد. در جاهایی از جمله در شرکت کیسون در پتروشیمی دنا برای فشار به کارگران اعتصابی از پرداخت مزد آنها طفره رفته اند. این موضوع بر دامنه اعتراضات شدت داده است.

بنا بر خبر ها در مراکزی که هنوز به اعتصاب نپیوسته اند، فشار کار بسیار بالاست و در عین حال کارگران با معضل عدم پرداخت دستمزد دو سه ماه اخیر خود روبرو هستند. همچنین در جاهایی همچون شرکت آسفالت طوس کارگران با تسویه حساب و گرفتن حقوق ایام اعتصاب خود کلا شرکت را ترک کرده اند.

دامنه اعتصاب کارگران نفت و مراکز وابسته آن بسیار گسترده است. اما همچنان جای گروههای ویژه این کارگران در مدیای اجتماعی و خبررسانی روزمرد در مورد اعتراضاتشان و سخن گفتن خطاب به جامعه و بیان شفاف و روشن خواستها و مطالباتشان خالیست. در عین حال یک گام مهم در جهت ارتقای این اعتصاب برپایی تجمعات اعتراضی در مراکز نفتی و وابسته به آنها و شنیده شدن صدای اعتراض این کارگران در سطح جامعه است. ایجاد صندوقهای همبستگی مالی با کارگران اعتصابی نیز یک گام بسیار ضروری برای کم کردن فشار بر

رسانه ای کردن اخبار آن و جلب وسیعترین حمایت ها در سطح جامعه و در ابعاد جهانی برای کارگران است. مدیای اجتماعی ابزار مهمی در خدمت این کار است. این گروهها را میشود در مناطقی چون پارس جنوبی و عسلویه و تمامی پالایشگاه و پتروشیمی ها ایجاد کرد. در عین حال امروز در سطح جامعه باید اخبار این اعتصابات در سطح گسترده و صدای اعتراض این کارگران را بازتاب داد. بر بستر این گروهها میتوان شورای هماهنگی اعتصابات کارگری را تشکیل داد.

اعتصاب کارگران نفت با هشتگ دفاع از حقوق به جلو آمده و با کارزار نه به قراردادهای موقت دامنه اش گسترش بیشتری می یابد. افزایش حقوق به بالای ۱۲ میلیون تومان، ایمنی محیط کار، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و تهدیدات پلیس سایبری علیه این کارگران، بالا بردن استاندارد خوابگاهها در حد قابل قبول و برخورداری این کارگران از درمانگاهها بصورت رایگان خواسته های مهم و فوری آنها است. حمایت فعال از این اعتصابات پیوستن به آن و اجتماعی کردن صدای اعتراض این کارگران است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراهای

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ شهریور ۱۳۹۹، ۲۸ اوت ۲۰۲۰

کارگران نیشکر هفت تپه به اعتراضاتشان ادامه میدهند، طومار ۱۶۰۰ نفره کارگران نیشکر هفت تپه با خواست انحلال شورای اسلامی

روز هفتم شهریور اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وارد روز هفتاد و پنجم خود شد. کارگران نیشکر هفت تپه به اشکال مختلفی اعتراضاتشان را ادامه میدهند و پیگیر مطالبات خود و اجرایی شدن وعده های داده شده هستند. در عین حال کارگران اخراجی غیر نیشکری و قراردادی که هنوز قراردادشان تمدید نشده و در خطر از دست دادن قطعی کارشان قرار دارند همچنان در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند.

کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه اعتراضاتشان در پنجم شهریور در طوماری اعتراضی با امضای ۱۶۰۰ نفر خواستار انحلال شورای اسلامی، این نهاد دست ساز حکومتی در این مجتمع شدند. این طومار به اداره کار شوش و وزارت کار در تهران ارائه شده است. در این طومار چنین آمده است: "ما کارگران هفت تپه، اعضای فعلی شورای اسلامی کار هفت تپه را به دلیل انحراف از

خواسته ها و مطالبات کارگری و ایجاد انشقاق بین کارگران و عدم پاسخگو بودن آنان در مقابل خواسته های بر حق کارگران و همچنین عدم رعایت امر قانونی در تشکیل این شورا، ... خواستار انحلال این شورا و برگزاری انتخابات آزاد برای ایجاد تشکل مستقل کارگری هستیم." این اقدام کارگران نیشکر هفت تپه، اقدامی در جهت پایان دادن به عمر شوراهای اسلامی این نهاد جاسوسی حکومتی و ارگانهای وابسته به حکومت در محیط های کار و تشبیه حق ایجاد تشکلهای واقعی خود کارگران است و یک اقدام مهم و یک پیشروی در جنبش کارگری است.

کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزه خود شاهد همدستی شورای اسلامی با کارفرما و عوامل حکومت و نشست های پشت پرده برای عقب زدن اعتراضاتشان بوده و از همان روزهای آغاز اعتصاباتشان اعلام کردند که این شورا در خدمت باند مافیایی چپاولگر هفت تپه است و آنها را بهیچ وجه نماینده خود نمی دانند و باید منحل شود. کارگران نیشکر هفت تپه با اعلام اینکه شورای اسلامی منحل است و اینکه شورایی تصمیم می گیرند، مجمع نمایندگان خود را داشته و آلت رانایو شورایی را به عنوان شکل عملی اعمال اراده مستقیم توده ای کارگری در مقابل جنبش کارگری و کل جامعه قرار داده اند.

بدین ترتیب در حالیکه رسانه های دولتی تبلیغات کر کننده ای بر سر پایان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه به راه انداخته اند، این کارگران در ادامه هفتاد و پنج روز اعتصاب اعتراض همچنان برخاسته هایشان پای می فشارند. گفتنی است که شماری از کارگران نیشکر هفت تپه روز پنجم شهریور در مقابل فرمانداری و ششم شهریور در مقابل دفتر کعب عمیر نماینده شوش با در دست داشتن بنری که خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی بر آن نوشته شده بود، تجمع داشتند و اعتصاب این بخش از کارگران ادامه دارد. بنا بر خبر ها ۱۳۰ نفر از کارگران غیر نیشکری از کار بیکار شده اند و هنوز تکلیف ۷۵ نفر از کارگران فنی نامعلوم است و ۱۷۰ نفر از کارگران دفع آفات وضعیت کاری شان ناروشن است و جلسات بر سر موضوع بازگشت این کارگران بر سر کار بی نتیجه مانده است. کارگران نیشکر هفت تپه طی پیام هایی حمایت خود را از این بخش از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه و اعتراضات آنها اعلام کرده اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراهای

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ شهریور ۱۳۹۹، ۲۸ اوت ۲۰۲۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!